



آزادی در قرآن

نویسنده: معرفت، محمد هادی

اطلاع رسانی و کتابداری :: بازتاب اندیشه :: فروردین و اردیبهشت 1379 - شماره 1 و

2

از 40 تا 42

آدرس ثابت : <http://www.noormags.com/view/fa/articlepage/37826>

دانلود شده توسط : محمدامین رضانی

تاریخ دانلود : 1393/06/03 18:29:50

مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی (نور) جهت ارائه مجلات عرضه شده در پایگاه، مجوز لازم را از صاحبان مجلات، دریافت نموده است، بر این اساس همه حقوق مادی برآمده از ورود اطلاعات مقالات، مجلات و تألیفات موجود در پایگاه، متعلق به "مرکز نور" می باشد. بنابر این، هرگونه نشر و عرضه مقالات در قالب نوشتار و تصویر به صورت کاغذی و مانند آن، یا به صورت دیجیتالی که حاصل و بر گرفته از این پایگاه باشد، نیازمند کسب مجوز لازم، از صاحبان مجلات و مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی (نور) می باشد و تخلف از آن موجب پیگرد قانونی است. به منظور کسب اطلاعات بیشتر به صفحه [قوانین و مقررات](#) استفاده از پایگاه مجلات تخصصی نور مراجعه فرمائید.



پایگاه مجلات تخصصی نور

آزادی در قرآن

آیه‌الله معرفت

مشهد ۱۶/۱/۷۹

چکیده: نویسنده با تفکیک و تعریف آزادی فلسفی و آزادی حقوقی و تفهیم آن به آزادی معقول و نامعقول، نظریه اسلام را درباره این اقسام ذکر می‌کند و با تبیین و رفع ابهام از پاره‌ای آیات در این زمینه، به بیان نسبت آزادی با قانون می‌پردازد. در ادامه نیز به نکاتی درباره نسبت اختیار و برخی آیات که به ظاهر دال بر نوعی جبر است اشاره می‌کند.

ما چند نوع آزادی داریم:

۱. آزادی فلسفی: انسان اساساً آزاد آفریده شده است. این مسأله‌ای است که هم فلسفه و هم عقلا و هم منطق قرآن آن را مسلم می‌دانند. در روایتی، امیر مؤمنان به امام حسن علیه السلام می‌فرمایند: «لا تکن عبداً لغيرک، فقد خلقک الله حراً؛ هرگز بنده کسی نشو؛ چون خدا تو را در آفرینش آزاد آفریده است». منطق اسلام همین است که انسانها بالفطره خودشان حق انتخاب دارند و نباید چیزی را بر آنها تحمیل کرد.

۲. آزادی حقوقی: انسان این حق را دارد

که از تمام مظاهر حیات و طبیعت بهره‌مند شود، چنان‌که در قرآن آمده است: «خلق لکم ما فی الأرض جمیعاً» یا «سخر لکم ما فی السموات و الأرض جمیعاً». البته اینجا بحث است که این حقوق و آزادی، مطلق است یا نه. تمام اختلافهایی که بر سر مفهوم آزادی داریم، همین جاست.

از لحاظ حقوقی دو تعریف برای آزادی شده است: الف) «الانطلاق من القيود»؛ یعنی اینکه انسان در تصرفاتش از هر تقیدی آزاد است؛ ب) «امکان التمتع بالحقوق»؛ یعنی امکانات طوری در نظام فراهم شده باشد که هرکس بتواند به حقوق حقه

خودش، مانند حق تعلیم و تربیت تا آنجا که قانون مشخص کرده است برسد. حال کدام یک از این دو معنا صحیح است؟

معنای اول اصلاً معقول نیست. آیا امکان دارد جایی از دنیا بدون حد و مرز بتوانند هر کاری که دلشان می خواهد انجام دهند؟ خیر؛ چون تزامم می شود. اما معنای دوم معقول است؛ یعنی اینکه هر انسانی که دارای حق مشروعی است بتواند از حق خود به نحو احسن و اکمل بهره مند شود. این معنای معقولی است که تمام عقلای جهان آن را می پذیرند. اگر پرسیده شود پس ارتباط آیه «لا إكراه فی الدین» با آیه ای که می فرماید غیر از اسلام دینی از فرد قبول نمی شود چیست، گفته می شود «لا إكراه فی الدین» نمی خواهد بگوید کسی را اجبار در دین نکنید؛ این یک مسأله طبیعی در دین است. لذا این آیه می گوید که دین چیزی نیست که با چماق بشود به مردم باوراند و باید آن را با دلیل و برهان روشن کنید. آیه نمی گوید اسلام را عرضه نکنیم؛ بلکه می گوید برای مردم ادله را روشن کنید تا خودشان اسلام را بپذیرند. اما آیه «إِنَّ الدِّينَ عِنْدَ اللَّهِ الْإِسْلَامُ» و آیه «وَمَنْ يَتَّبِعْ غَيْرَ الْإِسْلَامِ دِينًا فَلَنْ يُقْبَلَ مِنْهُ وَهُوَ فِي الْآخِرَةِ مِنَ الْخَاسِرِينَ» می خواهد بگوید که بدانید دین پذیرفته پیش ما اسلام است. آن آیه می گوید حقیقت، زوربردار نیست و باید دلیل اقامه کنید و این آیه می گوید بدانید اگر غیر از اسلام دینی انتخاب کردید، در پایان کار متوجه می شوید صحنه را باخته اید. این منطق قرآن، منطق عقلی است، منطق ارشاد است.

اگر پرسیده شود آیه «قُلْ كُلٌّ يَعْمَلُ عَلَى شَاكِلَتِهِ» چگونه با اختیار سازگار است، پاسخ می دهیم که آیه می خواهد بگوید رفتار انسان از صفات درونی انسان و ساختار درونی اش نشأت گرفته است. حال این ساختار ممکن است بر اساس آفرینش یا اختیار شکل گرفته باشد و قرآن نمی گوید که این شاکله جبری است؛ پس از این آیه مسأله جبر فهمیده نمی شود.

ممکن است پرسیده شود ادعای شما این است که آزادی ریشه در فطرت دارد؛ اما

می‌بینیم که متفکران و فلاسفه بزرگ، نظیر افلاطون و ارسطو کمتر به این مقوله پرداخته‌اند و اگر به این مسأله پرداخته‌اند تحت عنوان جبر و اختیار بوده است، اما در آرای متفکران اسلامی، از آزادی حقوقی مدعی شما کمتر اثری می‌بینیم. در پاسخ این سؤال می‌گوییم شما ظاهراً اشتباه کرده‌اید. این مسأله که انسان فطرتاً مختار است و خودش سرنوشت خود را تعیین می‌کند از گفته‌های افلاطون و ارسطو است. این مسأله که آزادی حقوقی از آزادی فطری انسان نشأت گرفته است، گفتار تمام دانشمندان اسلامی است. البته عقیده من آن است که بیشتر اندیشه‌های تابناک این متفکران و فلاسفه بزرگ، برگرفته از تعالیم انبیاست؛ زیرا حکمای یونان روی تعالیم انبیا مطالعه کرده‌اند. همچنین اگر پرسیده شود آزادی حق انسان است و آزادی یعنی حاکمیت انسان بر سرنوشت خویش؛ بنابراین جایگاه قانون کجاست، پاسخ می‌دهیم حق در مقابل تکلیف است. حق چیزی است که بر اساس فطرت یا طبیعت و یا سنت الهی برای انسان است و قانون نیز مرزبندی حقوق می‌باشد. گاهی انسانها خودشان این مرزها را مشخص می‌کنند و گاهی این مرزها باره نمود شرع مشخص می‌شود.